خبر روز

باز هم سگ حادثه آفرید

دانش‌آموز ۱۴ ساله که مورد حمله سگ نگهبان یک کارگاه چوب‌بری قرار گرفته بود موقع فرار با خودرویی تصادف کرده و فوت شد. به گزارش جام جم، روز جمعه ویدئویی از تصاویر دوربین مداربسته در بلوار امیرکبیر شهرستان شهریار منتشر شد که نشان می‌داد یک قلاده سگ به دانش‌آموز در حال عبور از محل حمله کرده که او هنگام عبور از خیابان با خودرو تاکسی برخورد کرده و فوت شده است. مامور راهور حاضر در محل نیز برای نجات کودک اقدام کرده بود که او نیز تصادف کرد و بعد از درمان مرخص شد. سرهنگ پیمان فتاحی، فرمانده انتظامی شهرستان شهریار با تأیید این خبر گفت: در دو روز گذشته، سگ نگهبان یکی از کسبه در بلوار امیرکبیر شهریار به یک نوجوان حمله کرد که او هنگام فرار با یک خودرو تصادف کرده و فوت شد. ماموران با حضور در صحنه راننده خودرو را بازداشت کردند و پرونده‌ای در این باره تشکیل شد. وی با اشاره به تحقیقات محلی و مشخص شدن صاحب سگ نگهبان افزود: پلیس، صاحب سگ نگهبان را بازداشت کرد و پرونده‌ای در این رابطه تشکیل شد که سرانجام راننده خودرو و صاحب سگ نگهبان با قرار وثیقه و با دستور مقام قضایی آزاد شدند.



برای دیدن فیلم حمله سگ به پسر نوجوان کیوآرکد را اسکن کنید

عدلیه

بخشش پای چوبه دار با تلاش بازیگر گیلدخت

مرد زندانی که به دلیل قتل دوستش پنج بار پای چوبه‌دار رفته بود با کمک بازیگر سریال گیلدخت رضایت اولیای دم را کسب کرد و از مرگ رها شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، محمد بیست ونهم شهریور سال ۹۳ دوستش را به انباری مغازه تعویض روغنی‌اش کشاند و بعد از بیهوش کردن، خفه‌اش کرد و جسدش را به کمک برادرش به بیابان‌های شهری منتقل کرد و به آتش کشید. او بعد از ۴۰ روز فرار بازداشت شد. متهم به قتل مدعی بود خانه‌ام در طبقه دوم تعویض روغنی بود، یک روز دختر۶ ساله‌ام به من گفت دوستم به آنجا آمده و او را آزار داده است. با دوستم تماس گرفتم و به بهانه این‌که تولد دخترم است، خواستم برای‌مان بادکنک بیاورد. وقتی آمد، به بهانه آوردن روغن او را به تعمیرگاه بردم. ضربه‌ای ورزشی به او زدم که روی زمین افتاد. همان جا زندانی‌اش کردم و دستان و پاهایش را با طناب بستم. بعد خفه‌اش کردم و جسد را پتو پیچ کردم و با انداختن در خودروی برادرم او را به بیابان‌های شهری بردم و آتش زدم. او مهدورالدم بود و من طبق آیه‌ای از قرآن وی را کشتم. محمد بعد از چند جلسه محاکمه حکم قصاص گرفت و این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد. در مدت ۹ سالی که در زندان بود، چهار بار پای چوبه دار رفت اما مهلت گرفت اما آخرین بار با کمک واحد صلح و سازش دادسرای جنایی و شقایق فراهانی بازیگر سریال گیلدخت، رضایت اولیای دم را جلب کرد و از قصاص نجات پیدا کرد.

اولیای دم برای بخشش درخواست دیه کردند که او توانست به کمک خیرین پول دیه را جمع‌آوری و به خانواده مقتول پرداخت کند. او به زودی آزاد شده و نزد خانواده‌اش باز می‌گردد.

شلیک مرد جوان به زندگی‌اش

مرد جوان با سلاح کلت به سرش شلیک کرد و به زندگی خود پایان داد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۸ بیست‌وچهارم اردیبهشت امسال، یکی از ماموران کلانتری جنت‌آباد پایتخت تیراندازی مرگباری را در غرب تهران به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد. با هماهنگی قضایی تحقیقات دراین‌باره آغاز شد و ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به آنجا اعزام گردیدند. آنها مشاهده کردند مردی ۳۰ ساله در اتاق خواب خانه افتاده و تیری به سرش شلیک و باعث مرگ او شده است. کلتی هم در چند قدمی‌اش افتاده است. مرگ او مشکوک بود. به همین دلیل به تحقیق از خانواده‌اش پرداختند که آنها مدعی شدند وی برای استراحت به اتاقش رفته است اما بعد از ساعاتی ناگهان صدای تیراندازی از اتاق شنیده‌اند و با عجله به آنجا رفته که دیده‌اند او تیری به سرش شلیک کرده و به زندگی خود پایان داده است.

مرگ جوان فداکار هنگام نجات ۲ کودک



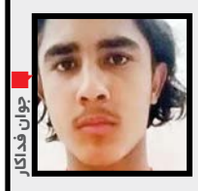
لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

یک کارگاه تولید چسب و یک انبار علوفه در شهر قنوات استان قم دست به دست هم دادند تا یکی از غمبارترین حوادث این شهر را رقم بزنند. ماجرایی‌که بسیاری از اهالی را به محل حادثه کشاند و ساعاتی بعد با جسم و روحی اندوهگین آنجا را ترک کردند. در این حادثه دو کودک چهار و هفت‌ساله و یک نوجوان ۱۸ساله جان خود را از دست دادند.

به گزارش خبرنگار جام جم، این حادثه حوالی ساعت ۱۷ و ۵ دقیقه در کارگاهی رخ داد که در آن تینر، گازوئیل و مواد آتش‌زا نگهداری می‌شد و کنارش نیز یک انبار علوفه دام بود. یکی از اهالی قنوات که از شاهدان این حادثه بود، در توضیح آن به جام جم می‌گوید: «از قرار معلوم، در کارگاه برق اتصالی کرد و یکدفعه آتش‌سوزی شروع شد و با رسیدن به انبار علوفه وسعت یافت.»

با شروع آتش، یک مخزن ۱۲هزار لیتری تینر که در کارگاه بود، در سه مرحله منفجر شد و آتش بزرگی به جان کارگاه افتاد. این شاهد حادثه ادامه می‌دهد: «آتش‌نشانان قنوات وارد عمل شدند اما آتش مهار نشد و از آتش‌نشانی قم درخواست کمک کردند که با توجه به فاصله ۱۲کیلومتری قم تا قنوات، زمان می‌برد تا آنها برسند. داخل کارگاه اتاقی بود که یک دختر و پسر خردسال همراه والدین خود در آن زندگی می‌کردند و می‌گویند پدر آنها افغان بوده است. بچه‌ها به قدری وحشت‌زده بودند که صدای گریه و جیغ‌شان به گوش می‌رسید که کمک می‌خواستند. آن روز وزش شدید باد هم باعث شده بود شدت آتش بیشتر شود، طوری‌که حتی نمی‌توانستیم به ۲۰ متری آن نزدیک شویم. از طرف دیگر بچه‌ها چون پشت‌شان دیوار بود و هیچ پنجره‌ای هم وجود نداشت، نمی‌توانستند از کارگاه فرار کنند. یک پسر ۱۸ساله که از اقوام‌شان بود، با دیدن این وضعیت پتویی دور خودش پیچید و وارد کارگاه شد تا آنها را نجات دهد اما متاسفانه خودش هم اسیر آتش شد و هر سه نفر جان باختند. یکی از آتش‌نشانان وقتی متوجه شد بچه‌ها جان‌شان را ازدست‌دادند، از شدت ناراحتی سرش را میان دستانش گرفت و گریه کرد. ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه شب بود که سرانجام آتش‌نشانان اجساد هر سه نفر را از کارگاه خارج کردند.»

بنابر اعلام سازمان آتش‌نشانی شهرداری قم، با اعلام حادثه، شش دستگاه خودروی حریق، دو دستگاه خودروی آبرسان و یک دستگاه خودروی پروژکتور به محل حریق اعزام شد. واحدها ۱۷ و ۳۶ دقیقه به همراه آتش‌نشانی قنوات اطفا را آغاز کردند که به علت حجم بالای حریق دو دستگاه خودروی آبرسان شهرداری قم، دو دستگاه خودروی آبرسان و دو دستگاه خودروی لودر سبک و سنگین به محل اعزام شد. درنهایت با تلاش آتش‌نشانان و قبل از سرایت آتش به انبارهای مجاور حریق مهار شد.


جوان فداکار


دو قربانی آتش سوزی



تلنگر

مسمومیت مرموز

«مسمومیت بیش از ۱۰۰ نفر از مردم شهر بدره در ایلام با آب مصرفی»، این اولین تیتر خبری بود که دیروز منتشر شد اما چند ساعت بعد به تعداد مسموم‌شده‌ها اضافه شد و این‌بار بیش از ۳۰۰ نفر با علائم مسمومیت به مراکز درمانی مراجعه کردند. موضوعی که ابتدا ترس و وحشت عمومی را به‌دنبال داشت اما رئیس دانشگاه علوم پزشکی اعلام کرد این مسمومیت هیچ ارتباطی با آب شرب ندارد و نوعی ویروس باعث بیماری برخی از شهروندان بدره‌ای شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، از چند روز پیش شهر بدره و برخی روستاهای اطرافش شاهد بدحالی مداوم مردمی بود که به بیمارستان مراجعه می‌کردند. علت اصلی بدحالی بیماران مشخص نبود اما یک جمله مشترک بین آنان رد و بدل می‌شد که می‌گفتند آب خوردیم و مسموم شدیم.

یکی از اهالی به جام جم می‌گوید: «من تنها کسی بودم که در خانواده‌ام حالم بد شد. همه یک نوع آب مصرف کردیم اما فقط من دچار دل درد، دل پیچه، حالت تهوع و استفراغ شدم. بعد هم به بیمارستان مراجعه کردم و دکتر چند نوع دارو و قرص برایم تجویز کرد. داروها را مصرف کردم و در حال حاضر هم حالم خوب نیست و با مصرف همان آب، دیگر دچار مسمومیت نشدم.»

درحالی‌که شایعه مسمومیت با آب در شهر بدره دهان به دهان می‌چرخید و به تعداد بیماران اضافه می‌شد، جاسم محمدی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان ایلام به بدره رفت تا موضوع را از نزدیک ارزیابی‌کند. وی در این‌باره گفت: «از روز گذشته حدود ۷۰ مورد با علائم اسهال و استفراغ به اورژانس شهرستان بدره به‌صورت ناگهانی با این علائم مراجعه و به مرور به ۳۳۳ مورد افزایش پیدا کرد که از بین مراجعه‌کنندگان تنها یک مورد نیاز به مرکز اورژانس استان داشت که این نشان‌دهنده یک بیماری شدید نیست. شواهد و معاینات نشان می‌دهد، این نشانه‌های بیماری، از دسته بیماری‌های ویروسی است که از اوایل فصل بهار و پاییز، این اپیدمی‌ها اتفاق می‌افتد.»

راز قتل مرد ضایعات جمع‌کن

گزارش پزشکی‌قانونی، راز قتل مرد ضایعات‌جمع‌کن را بعد از سه ماه فاش کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل اسفند سال گذشته یکی از ماموران بیمارستانی در جنوب تهران با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوک مردی ۳۵ساله خبر داد. با دستور قضایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران راهی آنجا شده و معلوم شد مردی او را به بیمارستان رسانده و بعد فرار کرده است. با شناسایی خانواده مرد فوت‌شده مشخص شد پسرشان معتاد بوده و با آنها در ارتباط نبوده و این اواخر هم در جنوب تهران با مردی هم‌خانه شده بود.

ماموران وقتی تصویر ثبت‌شده دوربین بیمارستان را به خانواده مقتول نشان دادند آن مرد را به‌عنوان هم‌خانه پسرشان شناسایی کردند. شهاب بعد از چند روز بازداشت شد و در تحقیقات گفت: فرید مثل من معتاد بود. آن شب حالش بد بود و به خانه آمد. متادون به او دادم تا حالش بهتر شود که نشد و وی را به بیمارستان بردم که بعد از آن‌که فوت شد ترسیدم به دردسر بیفتم و فرار کردم.

با گذشت چند ماه از این قتل، سرانجام چند روز پیش کارشناسان پزشکی‌قانونی نظر دادند که مرگ او براثر مصرف متادون نبوده، بلکه ضربه به سرش باعث مرگ او شده است.

بنابراین مرد هم‌خانه مقتول بی‌گناه شناخته و آزاد شد اما در ادامه تحقیقات پلیسی معلوم شد که مقتول با مردی هم اختلاف و درگیری داشته است. این مرد، روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت امسال به پلیس آگاهی احضار و در آنجا بازداشت شد. شهروز ۳۲ساله در تحقیقات گفت: مقتول ضایعات‌جمع‌کن بود و برای خواهرزاده‌ام کار می‌کرد. مدتی بود با هم اختلاف پیدا کرده بودند. برای پایان دادن به این مشکلات سراغ مرد معتاد ـ فرید ـ رفتم که با هم دعوای‌مان شد. بعد هم سیلی محکمی به او زدم و از آنجا رفتم. وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر گفت: تحقیقات از متهم بازداشت‌شده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد تا راز قتل مرد ضایعات‌جمع‌کن فاش شود.



تحول در زندان

محمد غمخوار
دبیرگروه حوادث

سارق تک‌رو که به ۲۴ خانه در محله دولت‌آباد شهرری دستبرد زده بود، در دادگاه فقط دستبرد به سه خانه را قبول کرد. متهم مدعی شد در زندان معلم قرآن شده و ۳۰ شاگرد دارد.

به گزارش خبرنگار جام جم، یک متهم و ۲۴ شاکی؛ شاکیانی که از یک دوچرخه تا چند میلیارد پول و طلا از خانه‌شان سرقت شده بود و حالا در برابر دزد خانه‌شان قرار گرفته بودند تا شاید بتوانند به اموال از دست رفته خود برسند. اما سارق فقط سرقت از سه خانه را قبول کرده و مدعی است اعترافاتش درباره دیگر سرقت‌ها تحت فشار بازجویی بوده‌است. میثم، ۴۰ ساله، مجرد با سه فقره سابقه سرقت، متهمی با موهای جوگندمی است که فقط به خانه محله دولت‌آباد شهرری دستبرد می‌زد؛ محله‌ای که خودش هم در آنجا زندگی می‌کرد.

جلسه رسیدگی به پرونده این سارق، که دادسرا جرایمش را از مصادیق سرقت حدی در نظر گرفته‌است، در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران و به ریاست قاضی علی دلداری و با حضور قاضی مستشار ناصر راهی برگزار شد. در این جلسه ۹ نفر از شاکیان حضور داشتند. بقیه شکات رضایت داده یا از ادامه شکایت‌شان منصرف شده‌بودند.

در ابتدای این جلسه کیفرخواست پرونده خوانده‌شد. بر اساس کیفرخواست، میثم نهم شهریور سال گذشته بازداشت و متهم به سرقت مستوجب حد است.

در ادامه شاکیان پرونده که در دادگاه حضور داشتند، شکایت خود را مطرح کرده و خواستار بازگشت اموال سرقت شده از خانه‌شان شدند. اولین شاکی که پسری جوان بود، درباره روز سرقت گفت: شبکار بودم و صبح به خانه آمدم. صبحانه خوردم و کولر را روشن کردم و لای در ورودی رو باز گذاشتم. حدود یک ساعت بعد که بیدار شدم متوجه به هم ریختگی خانه و سرقت ۸۰ گرم طلا، ۲۰ میلیون تومان ارز و یک رادیو از خانه شدم.

دومین شاکی بازنشسته ارتش بود. «من اغلب در خانه هستم. روز سرقت همسرم به پارک رفت و من هم به بانک رفتم تا پولی برداشت کنم. در بانک بودم که همسرم زنگ زد و گفت چرا خانه را به هم ریختی؟ فهمیدم دزد آمده و به خانه برگشتم. سارق بعد از ورود به خانه، سه گونی برنج را که ارتش به من داده بود، ۱۵ عدد فلش، لباس همسرم که هشت میلیون تومان خریده‌بود و حدود ۷۰۰ میلیون تومان طلا سرقت کرده‌بود. همچنین دو گوشی نیز برداشته‌بود که بعد از دستگیری فقط گوشی‌ها را پس داد.»

سومین شاکی، از خانه‌اش یک دوچرخه سرقت شده‌بود. چهارمین شاکی هم در شکایتش گفت: «شب سرقت به خانه مادرزنم رفته‌بودیم که وقتی برگشتیم متوجه کنده شدن در آکاردئونی واحدمان شدیم. سارق در کمد دیواری را شکسته و طلا، لپ‌تاپ، گیتار و دو میلیون تومان پول نقد سرقت کرده‌بود.»

پنجمین شاکی هم وقتی از مهمانی خانه پدرش بازگشته‌بود، با به هم ریختگی خانه و سرقت طلا و پول از آنجا روبه‌رو شده‌بود. « همسرم طلاها را داخل صندوقچه‌ای گذاشته و در بقچه لباس‌ها پنهان کرده‌بود که سارق جای آن را پیدا کرده‌بود.»

سارق بعد از ورود به خانه ششمین شاکی، فقط یک دستگاه تلویزیون سرقت کرده‌بود. هفتمین شاکی زن جوانی بود که سارق را در خانه دیده و تعقیبش کرده‌بود اما موفق به دستگیری او نشد. « از خرید به خانه برگشته‌بودم که متوجه حضور فردی در راه پله شدم. او با دیدن من به کوچه پرید که تعقیبش کردم اما نتوانستم دستگیرش کنم. وقتی وارد خانه شدم، متوجه سرقت طلاها و ۳۵۰ میلیون تومان پول نقد که همسرم بابت فروش خودرویش گرفته‌بود، شدم.»

سارق در هشتمین سرقت به خانه‌ای در طبقه سوم یک مجتمع مسکونی رفته‌بود و بعد از شکستن در، ۵۰۰ گرم طلا از آنجا سرقت کرد. نهمین مالباخته هم بعد از بازگشت از خانه مادرزنش، متوجه دستبرد سارق به گاوصندوق خانه و سرقت طلا و پول از آنجا شد.

پس از شکایت شاکیان، متهم در جایگاه قرار گرفت و فقط سه مورد از سرقت‌ها را قبول کرد و گفت: «من فقط سه شکایت را قبول دارم که رضایت شکات را گرفتم.»

رئیس دادگاه : بر اساس گزارش پلیس، ماموران به خانمی مشکوک شده و گوشی سرقت شده از خانه یکی از شکات را از او پیدا کرده که با ردیابی گوشی به تو رسیدند. این سرقت را هم قبول نداری؟

متهم: گوشی را از یک دستفروش گرفتم. آقای قاضی من اینجا گرفتار شدم و مالباخته‌ها ادعای پول زیاد و طلا می‌کنند که من از خانه‌شان سرقت کردم. شما بروید خانه آنها را ببینید، می‌فهمید این میزان پول و طلا با وضع زندگی‌شان تناسب ندارد.

رئیس دادگاه: در جریان تحقیقات محل‌های سرقت را نشان داد؟

متهم : تحت فشار بازجویی بود. مرا مقابل خانه‌ای می‌بردند و می‌گفتند از اینجا سرقت کردی و من هم قبول می‌کردم.

رئیس دادگاه: نزد بازپرس هم فشار بازجویی بود؟

متهم : نه.

رئیس دادگاه : نزد بازپرس هم قبول کردی تو مرتکب سرقت‌ها شده‌ای. تصویر تو با خودروی پرشیا در محل‌های سرقت دیده شده‌است. در این باره چه توضیحی داری؟

متهم: خودرو متعلق به مادرم است. من در همان محله زندگی می‌کردم و با ماشین رفت و آمد داشتم.

میثم در آخرین دفاع خود هم گفت: من در زندان معلم قرآن هستم و ۳۰ شاگرد دارم. زندگی‌ام را اصلاح کردم. به خاطر اعتیادم به شیشه مرتکب این سرقت‌ها شدم و حالا پشیمانم. پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.



فرجام

توقف حکم ۳ اعدامی با نوشتن توبه‌نامه

دو قاتل و دو متجاوز در زندان رجایی‌شهر کرج به پای چوبه دار رفتند که یکی از قاتلان قصاص شد اما قاتل دیگر و دو متجاوز با نوشتن توبه‌نامه حکم‌شان به‌طور موقت، متوقف شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، چهارمرد جوان که دو نفرشان به اتهام قتل و دو نفر دیگر متجاوز بودند از روز شنبه هفته جاری برای اجرای حکم به سلول انفرادی در زندان رجایی‌شهر کرج منتقل شدند. اولین زندانی قصاصی مردی تبعه افغانستان بود که یک زن ایرانی را کشته بود. این زن میانسال با خودروی پرایدش در تهران مسافرکشی می‌کرد، او ۲۴ تیر ۹۷ از خانه‌اش برای کار بیرون رفت و ناپدید شد. خانواده‌اش گم‌شدن او را به پلیس اطلاع دادند و ماموران در جست‌وجوی وی بودند. جست‌وجوها ادامه داشت تا این‌که خودروی پراید زن گم‌شده بدون سرنشین در یکی از اتوبان‌های تهران و ساعاتی بعد هم جسد او در بوستان چیتگر پیدا شد. شواهد از مرگ او بر اثر خفگی حکایت داشت. در ادامه ردیک تبعه افغانستان به نام مسعود در این جنایت به دست آمد و او دستگیر شد. مسعو د به کشتن زن ایرانی با انگیزه سرقت اعتراف کرد و بعد از محاکمه در دادگاه کیفری حکم قصاص گرفت. با تایید این حکم در دیوان عالی کشور، سحرگاه دوشنبه ۲۵ اردیبهشت امسال در زندان رجایی‌شهر کرج به دار مجازات آویخته شد.

زندانی دیگر که پای چوبه دار رفت، مرد جوانی بود که در جریان فحاشی اینستاگرامی پاییز سال ۹۸ دو نفر را در قهوه‌خانه‌ای در محله افسریه تهران کشت. او به دو بار قصاص و اعدام به اتهام محاربه محکوم شد. حکم قصاص او به‌دلیل حاضر نشدن اولیای‌دم اجرا نشد. این مرد همچنین برای اتهام محاربه‌اش توبه‌نامه‌ای نوشت و درخواست عفو کرد.

دیگر مرد اعدامی پنج سال قبل زنی را به‌عنوان مسافر سوار کرده، ربوده و مورد تجاوز قرار داده بود آخرین اعدامی هم هشت سال قبل به بهانه نشان دادن کبوتر و حیوان خانگی پسر خردسالی را در محله جنوب شهر تهران به خانه‌اش کشانده و مورد آزار و اذیت قرار داده بود. این دو متجاوز هم پای چوبه دار توبه‌نامه‌ای نوشتند که باعث توقف اجرای حکم شد. آنها پیش از این هم توبه نامه داده بودند که رد شده بود.


قاتلی که قصاص شد

نظمیه

یک شهید و یک مجروح در عملیات رهایی گروگان



عملیات رهایی مادر و دختر بمی از دست گروگانگیران مسلح در شهر خاش، با شهادت مامور پلیس و فرار گروگانگیران به پایان رسید.

به گزارش خبرنگار جام جم، روز یکشنبه ماموران پلیس شهرستان خاش از انتقال دو گروگان به این شهرستان باخبر شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد، خانواده یک متهم که به اتهام آدم‌ربایی در زندان بم زندانی است، با اقدام به گروگان گرفتن مادر و دختری در این شهر و انتقال‌شان به خاش، قصد دارند آنها را از طریق مرزهای شرقی به خارج از کشور انتقال دهند.

گروگانگیران که به نظر می‌رسید دو نفر هستند، آزادی زندانی را شرط رهایی مادر و دختر اعلام کردند. عصر یکشنبه مخفیگاه متهمان شناسایی و تیمی از ماموران پلیس خاش برای پایان دادن به این گروگانگیری وارد عمل شدند. متهمان با اطلاع از حضور ماموران در محل، به سمت آنها تیراندازی کردند که سرگرد یاسر عبدلی هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید و یک نفر دیگر هم مجروح شد . دادستان زاهدان در این باره گفت: « برای رهایی گروگان‌ها از ظرفیت ریش سفیدان استفاده شد و مجروح حادثه نیز به مراکز درمانی انتقال یافت.» سرانجام گروگانگیران با رها کردن دو گروگان خود از محل فرار کرده و به سمت مرز رفتند که جست‌وجو برای یافتن و دستگیری آنها ادامه دارد.